

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

رثای حسینی در اشعار حسان و مهیار دیلمی (علمی- پژوهشی)

دکتر محمدرضا نجاریان^۱، فردین شاهین^۲

چکیده

حبیب‌الله چایچیان، متخلص به «حسان» یکی از قدیمی‌ترین و بااخلاص‌ترین شاعران اهل بیت^(ع) است. موضوع مجموعه «ای اشک‌ها بریزید» از این شاعر، مدح و مراثی اهل بیت^(ع) است. مضامین اشعار او عبارت‌اند از: شروع حرکت امام، وداع امام از مدینه، یاران امام، حسین^(ع) رهبر امروز و کشته دیروز، خاندان امام، اصحاب، آزادی، مهلت خواستن شب عاشورا، تسلیم‌ناپذیری در برابر ظالمان و مرثیه در غم امام حسین^(ع):

ای ذبیح کربلا، جان‌ها فدای حج تو ای که خود را در منای عشق، قربان می‌کنی
در طوافت کعبه بر گرد تو می‌گردد حسین کآمدی در بیت حق، تجدید پیمان می‌کنی
مهیار دیلمی (م. ۴۲۸ ق) شاعر و دانشمند ایرانی عربی‌گوی قرن پنجم هجری بود. از مصیبت‌هایی که بر شیعه بعد از حادثه کربلا رخ داد سخن نگفت؛ اما صریحاً می‌گوید که سقیفه و غضب حق حضرت علی^(ع)، تندباد کربلا را برپا کرد:

هُوَ الْعَصْنُ كَانَ كَمِيناً فَهَبَ لَدَى كَرْبَلَاءَ بِرِيحِ عَصُوفٍ
قَتِيلٌ بِهِ ثَمَارَ غِلِّ النَّفُوسِ كَمَا نَعَرَ الْجُرْحَ حَكُّ الْقُرُوفِ

در این پژوهش وجوه اشتراک و افتراق مراثی دو شاعر از نظر موضوع، اندیشه و تصویر بررسی می‌شود تا تجلی نهضت حسینی در اشعار مهیار دیلمی و حسان نقد و تحلیل گردد.

واژه‌های کلیدی

مرثیه، رثای حسینی، مهیار دیلمی، حبیب چایچیان (حسان)، ادبیات تطبیقی.

^۱ . دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول): reza_najjarian@yahoo.com

^۲ . کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد.

۱- مقدمه

ادبیات تطبیقی به بررسی و تحلیل و تجزیه ارتباطات و شباهت‌های بین ادبیات و زبان‌ها و ملیت‌های مختلف می‌پردازد (میر صادقی، ۱۳۷۷: ۲۴). در این نوع ادبی، بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی‌برد؛ که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمند، ادیب و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر بروز می‌یابد. (کفافی، ۱۳۸۲: ۸) «ادبیات تطبیقی به بررسی کنش‌ها و واکنش‌های موجود بین دو ادبیات مختلف و تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر می‌پردازد» (ندا، ۱۳۸۳: ۲۶).
 مرثیه‌سرایی در ادبیات همه کشورهای کم‌و‌بیش مشاهده می‌شود [۱]. مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی نیز در ابتدا به تأثیر و پیروی از شعر و فرهنگ عربی بوده است. در «الباب-الالباب» عوفی و «تذکره الشعرا» دولت‌شاه سمرقندی آمده است که شعر حضرت آدم در رثای فرزندش، هابیل، اولین مرثیه است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶).

۱-۱- بیان مسئله

سؤال اساسی در این پژوهش این است که نهضت حسینی در اشعار دو شاعر بزرگ عرب و فارس: مهیار دیلمی و حبیب چایچیان (حسان) چگونه متجلی شده است. فرضیه چنین است که «حسان» حادثه کربلا را از زمان شکل‌گیری تا پایان توصیف کرده است؛ اما مهیار دیلمی شاعر ایرانی عربی‌گوی قرن پنجم هجری در کنار عشق به خاندان پیامبر، تنها به حوادث اصلی اشاره کرده و جنایتکاران اموی را رسوا نموده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

تاکنون پایان‌نامه‌ها و مقالات متعدّد و گوناگونی درباره شرح حال، شخصیت و آثار مهیار دیلمی تألیف شده؛ اما پژوهشی جامع درباره تحلیل اشعار حبیب‌الله چایچیان انجام نشده است.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو در مقاله‌ای با عنوان «زندگی و شعر مهیار دیلمی» (۱۳۷۲) مهیار را از سه دیدگاه بررسی کرده است: شاعری عرب زبان، ایرانی شعوبی مسلک و شیعی تندرو. وی نتیجه می‌گیرد که مهیار، شاعری شورشی و پرخاشجو نیست و افراط در شیعی-گری او در برابر تسنن عهد متوکل یا دوران سلطه سلاجقه است. سید محمدرضا خضری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مهیار الدیلمی» (۱۳۷۳) به شرح احوال و آثار مهیار دیلمی و مضامین مدح، رثاء، غزل، وصف، هجاء و عتاب در دیوان او پرداخته است. «اهل بیت^(ع) از نگاه دینی و ادبی در شعر مهیار دیلمی» (۱۳۷۳) عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد از رضا مهدی‌زاده است که شعر مهیار دیلمی را با موضوع اهل بیت تحلیل کرده است. در مقاله‌ای با نام «نغمه‌های پاک یک روز با «حسان»، (۱۳۸۴) چنین بیان شده است: او صادقانه و با اخلاص سروده است: از زینب(س) و دفاع توفنده‌اش از حریم ولایت، از سجاد^(ع) و بردباری بی نظیرش در صحرای درد و...

رؤیا حسینی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «شرح احوال و آثار و افکار مهیار دیلمی» (۱۳۸۴)، او را شاعری ایرانی الاصل می‌خواند که در اشعار خود به اعیاد ایرانی و تفاخر نسبت به مذهب تشیع و سرزمین ایران می‌پردازد. امرالله ابراهیمی آتانی در مقاله‌ای با عنوان «مفاهیم و مضامین دادگری و ظلم‌ستیزی در شعر مهیار دیلمی» (۱۳۸۸) داد و بیدادگری را در شعر مهیار دیلمی بررسی کرده است. پایان‌نامه دکتری با عنوان «شناخت و نقد آماری سبک استعاره (پژوهش علمی بر اشعار دعبل خزاعی، شریف رضی و مهیار دیلمی)» (۱۳۹۱) از احمد امیدوار به تراکم زبان استعاری و سبک استعاره‌های مفهومی و نحوی و کشف چگونگی ارتباط میان استعاره‌های مفهومی و نحوی در اشعار دعبل خزاعی، شریف رضی و مهیار دیلمی پرداخته است. احمد امید علی در مقاله «کارکرد تصویر هنری در شعر شیعی» (۱۳۹۱)، تصاویر هنری در شعر شاعرانی چون مهیار دیلمی، ابوفراس حمدانی و شریف رضی را بررسی کرده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

محور اصلی شعر مهیار دیلمی و حیب چایچیان رثای اهل بیت به‌ویژه امام حسین^(ع) است. این مرثیه‌ها با وجود اینکه از نظر زبان و زمان تفاوت دارند؛ اما دارای مضامین و

مفاهیم دینی مشترکی هستند که در حوزه ادبیات تطبیقی درخور توجه است؛ بخصوص که مهیار بر کیش زرتشتی بود و به دست سید رضی مسلمان شد.

۲- بحث

۲-۱- مرثیه در ادبیات فارسی و عربی

رثا، واژه ایست عربی از ریشه «رثو» یا «رثی» و مصادر آن به شکل های «رثایه، مرثاه، مرثیه و رثو» است [۲]؛ که به معنی مرده ستایی و گریه کردن بر مرده و ذکر نیکی های او، همچنین شعرگفتن در باب مرده با اظهار تأسف است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل رثا) (شرطونی، ۱۹۹۲: ۷۴). مرثیه در اصطلاح ادب یعنی اینکه شاعر عواطف و احساساتش را در مورد مرده یا فردی که در حال مرگ است، بیان و بر او گریه و مویه کند یا با ذکر مناقب و مکارم به تجلیل از مقام و منزلت شخص متوفاً پردازد (ابولحم، ۱۹۷۰: ۲۷). از سوی دیگر «مرثیه شامل هر منظومه و سخن منظوم در سوگ عزیزی و یا وطن، مروت و مهربانی بهار جوانی، عشق و آزادی می شود و یا هرچه رشته عشق و احترام است و از دست دادنش انسان را به سوگ و ماتم می کشاند: عشق به خانواده، عشق به فضیلت، عشق به طبیعت» (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۰). قصایدی که شاعران در سوگ آثار و نشانه های دولت های ساقط شده، آبادانی های زوال رفته، مجد و عظمت گذشته به نظم کشیده اند در شمار مرثیه هستند (عبد النور، ۱۹۸۴: ۱۲۱). پس می توان مرثیه را شعری در بیان فضیلت ها و ارزش های از دست رفته دانست.

مرثیه سرایی در شعر فارسی، مانند اشعار رودکی در رثای شهید بلخی و مرثیه معروف محتشم کاشانی در رثای امام حسین^(ع) و همچنین در شعر عربی قبل و بعد از اسلام از جمله موضوعات شعری به حساب می آید. بیشترین نمونه این گونه اشعار در رثای سرور و سالار شهیدان، امام حسین^(ع) و یاران آن حضرت در حادثه کربلاست (ایراندوست، ۱۳۶۹: ۱۳). مرثیه در ادب فارسی، عربی یا هر زبان دیگر، «صورتی از شعر است که در آن، عنصر تخیل، عاطفه و احساس بر جنبه عقلی و استدلالی غلبه می کند» (امامی، ۱۳۶۹: ۱۳). ارزش ادبی سوگنامه و مرثیه های ادبی این است که باعث می شوند، عقاید و آداب و رسوم ملل،

ملموس‌تر شناخته شوند. زمخشری (۵۳۸-۴۶۷ ه.ق) در «أَطَوَّقُ الذَّهَبَ فِي الْمَوَاعِظِ وَ الحُطْبِ» آورده است: «هرکس برای امام حسین بگرید، یقیناً در قیامت با وی محشور خواهد شد». در دوره اسلامی، قدیمی‌ترین مرثیه موجود، شعر «ابوالنبغی» درباره ویرانی سمرقند است و بعد از او به نقل از مؤلف «تاریخ سیستان»، قدیمی‌ترین مرثیه شعر فارسی دری از «محمد بن وصیف سیستانی» شاعر دربار صفاریان است که در زوال دولت صفاریان سروده شده است (افسری، ۱۳۸۱: ۷۱). اولین مرثیه‌های ادبی مانند دیگر انواع شعر (حماسی، غنایی، تعلیمی) از تکلفات دور بوده است و شاعران سخن را صریح و روشن ادا می‌کرده‌اند (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۸۰-۷۴).

رثا و سوگنامه در ادبیات عرب به نسبت ادب و فرهنگ دیگر ملل، رواج بیشتری داشته است و ظاهراً اعراب به رثا و مفاخره بیش از انواع دیگر، دل بسته‌اند. «مرثیه در ادبیات فارسی، غالباً منظوم است و ممکن است به هر قالبی باشد: قصیده، قطعه، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و گاهی غزل، رباعی و مثنوی» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۳۶). از ابتدای پیدایش شعر فارسی تا قرن هشتم هجری، مرثیه، بیشتر در قالب قصیده سروده می‌شد؛ اما رفته‌رفته و با قدرت گرفتن حکومت صفویه، مرثیه مذهبی در قالب ترکیب‌بند رایج شد که بزرگ‌ترین شاعر مرثیه‌سرای این دوره، محتشم کاشانی است (کافی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). مرثیه‌سرایی تنها در شعر رواج ندارد [۳]؛ قدیمی‌ترین کتاب منثور در مرثیه کربلا، «روضه الشهداء» ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰ ه.ق) است.

ویژگی‌های مرثیه عبارت‌اند از [۴]: تعداد ابیات معمولاً بین ۱۵ تا ۱۷ بیت است؛ هرچند گاهی تعداد ابیات خیلی بیشتر است. مرثیه‌ها بیشتر به جنبه‌های حقیقی رثالیسم توجه دارند؛ زیرا معمولاً موضوع آن، بیان یک رویداد تاریخی است. در مرثیه یک موضوع به‌طور مرتب تا آخر داستان دنبال می‌شود. اغراق در مرثیه‌ها غالباً شاعرانه است. از جمله وجوه تمایز رثای شیعی با سایر مرثیه‌ها؛ «شرح حماسه، جهاد شهیدان و قهرمانان، هجو ستمگران و رسوایی و افشای ماهیت آنها و تحولات و تکامل‌هایی از حیث محتوا و مضمون در آن» است (جنتی فر، ۱۳۸۵: ۸).

شاعران شیعی پس از حماسه کربلا به‌ویژه در قرن سوم به رثای آن حادثه روی آوردند؛ تا جایی که قرن سوم را می‌توان منشأ بسیاری از مرثیه‌ها و اشعار حسینی دانست؛ زیرا شاعران زیادی در این قرن در دفاع از واقعه کربلا و نشر و گسترش فرهنگ عاشورایی به سرودن شعر به‌ویژه رثا، مبادرت ورزیدند و با خلق مضامین نو و دلنشین آن حادثه بزرگ را به شکلی قابل قبول به تصویر کشیدند. (الأمین، ۱۹۳۴: ۳۰۰).

۲-۲- مهیار دیلمی

ابو الحسن مهیار بن مرزویه، نویسنده، شاعر و دانشمند ایرانی عربی‌گوی قرن پنجم هجری در دیلم، جنوب گیلان در کنار دریای قزوین متولد شد. وی در بغداد و در شغل ترجمه از فارسی استخدام شد و در آنجا به تشیع روی آورد (الفاخوری، ۱۳۶۴: ۸۶۹). در اکثر تذکره‌ها و کتب گذشته، شرح زندگی و آثارش آمده است (البخاری، ۱۳۷۲: ۲۸۴). عصام عبد علی، مؤلف کتاب «مهیار الدیلمی حیات و شعره»، تاریخ تولد مهیار دیلمی را ۳۶۴ هجری دانسته است. منابع بسیاری به نقل از خطیب بغدادی به مجوسی بودن مهیار و اسلام آوردنش در سن سی‌سالگی اشاره کرده‌اند. سال اسلام آوردن مهیار دیلمی را ۳۹۴ هجری دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۳۷۴: ۹۴). عده‌ای بر این باورند که پذیرفتن دین اسلام از سوی مهیار، با تفحص خودش صورت گرفته است؛ اما افرادی دیگر، مسلمان شدنش را به تقلید از خانواده و اثر محیطی می‌دانند (امینی، ۱۳۴۶: ۲۳۹). مهیار پس از اینکه مسلمان شد، کنیه ابوالحسن را بر خود نهاد؛ البته بعضی از منابع، کنیه وی را ابوالحسین نوشته‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

مهیار دیلمی اشعار بسیاری در مدح اهل بیت و مرثیه امام حسین^(ع) سروده است. هر چند برخی بر این باورند که وی قبل از مسلمان شدنش در ستایش اهل بیت شعر سروده است (عصام عبد علی، ۱۳۵۴: ۳-۶۲). او از بزرگان شعرای شیعه بود که شعرش در نهایت خوبی بود (ابن تغری، ۳۶). مؤلف «ذمیه القصر و عُصره اهل العصر» می‌گوید: «او شاعری است که در همه فنون دارای فهم است و در هیچ‌یک از قصاید او بیتی وجود ندارد که درباره آن چون و چرا شود. قصایدش در قالب دل‌ها فروریخته شده است و روزگار گنهکار با ارائه

قصاید مهیار، پوزش می‌خواهد» (الباخزری ۱۳۷۲:۲۸۴). نویسندگان و تاریخ‌نویسان معاصر نیز به شرح‌حالی از زندگی، بررسی شعر و جایگاه ادبی مهیار دیلمی در آثار خود اشاره کرده‌اند (جرجی زیدان، ۱۳۷۱:۲۵۹). مهیار، متعلق به ملوک بویه و وزیران آنها بود و قسمت اعظم این مدایح را در تهنیت نوروز و مهرگان سرود؛ کمی هم در اعیاد دینی چون عید فطر. (تویسرکانی، ۱۳۳۶، ص ۱۶۲). اشعار وی، علاوه بر مدیحه‌ها و تغزلات، متضمن مسائل کلامی شیعه است. مهیار، شاعری معتدل بود و از مصیبت‌هایی که بر شیعه بعد از حادثه کربلا رخ داد، سخن نگفت؛ اما صریحاً می‌گوید که سقیفه و غضب حق حضرت علی^(ع)، تندباد کربلا را برپا کرد:

هُوَ الْغُصْنُ كَانَ كَمِينًا فَهَبَّ لَدَى «كربلاء» بِرِيحِ عَصُوفِ

قَتِيلٍ بِهِ ثَمَارَ غِلِّ النَّفُوسِ كَمَا نَعَرَ الْجُرْحَ حَاكُ الْقُرُوفِ
(الدیلمی، ۱۳۴۴: ۲۷۰)

ترجمه: کینه دیرین در کمین بود و به روز عاشورا در کربلا باد سهمگین به پا کرد و شهیدی برجای نهاد که کینه انسان‌ها را برآشفته؛ چونان که جراحت را با سرانگشت به خون بیالایند.

از دیگر مختصه‌های شعر مهیار دیلمی، توجه به اعیاد ایرانی و تفاخر او نسبت به مذهب تشیع و سرزمین ایران است. مهیار دیلمی در اشعارش به کاربرد اسطوره‌های ایران باستان، اخوانیات و دلتنگی برای وطنش، دیلم و فارس و اعیاد ملی همچون نوروز، سده و مهرگان پرداخته و با این موضوعات بخش‌های مهمی از فرهنگ ایرانی را به نسل‌های آینده معرفی نموده است.

از مهیار دیلمی یک دیوان بزرگ چهارجلدی در حدود بیست هزار بیت و یک «قصیده لامیه» که ابن طاووس حلی شرحی به نام «الآزهار» بر آن نوشت. احمد نسیم، دیوان مهیار دیلمی را در چهار جلد تصحیح کرده است. در این تصحیح، مقدمه کوتاهی از زندگی و شعر مهیار که آن‌هم از کتاب‌های «وفیات الأعیان» ابن خلکان و «المنتظم» فی

تواریخ الملوک و الامم» ابن جوزی نقل شده است. احمد نسیم در آغاز هر قصیده، توضیحات کوتاهی دربارهٔ مناسبت و موضوع قصیده آورده است؛ قصاید به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است. غالب اشعار مهیار دیلمی، مدح و ستایش ممدوحانی است؛ چون ابوطالب محمد بن ایوب، وزیر خلفای عباسی و ابونصر سابور و ابومنصور بن مزروع. بخشی دیگر از این قصاید در مدح و مرثیه اهل بیت است؛ از جمله قصیده‌ای در رثای امام علی^(ع) و امام حسین^(ع) دارد که در محرم ۳۹۲ هجری سروده است (الدیلمی، ۱۳۴۴: ۲۵۹). مهیار، اشعاری در چیستان و لغز هم سروده است (شوقی، ۱۳۳۹: ۶۵). فرزندش حسن یا حسین بن مهیار دیلمی نیز از شاعران بزرگ بوده که قصیده‌ای معروف به نام «قصیده حائیه» از وی به جا مانده است. مهیار دیلمی در سن ۶۴ سالگی و در شب یکشنبه، پنجم جمادی الثانی، سال ۴۲۸ هجری در گذشته است.

۲-۳- حبیب‌الله چایچیان (حسان)

حبیب‌الله چایچیان، متخلص به «حسان»، فرزند محمدحسین، یکی از بااخلاص‌ترین شاعران اهل بیت^(ع) است که بیش از نیم قرن، عمر خود را صرف سرودن اشعاری با مضامین آیینی کرده است. وی متولد سال ۱۳۰۲ در تبریز است. چایچیان، از سال‌های جوانی، اندیشه و شعرش را با یاد و خاطرهٔ ائمه اطهار^(س) به‌ویژه امام حسین^(ع) متبرک کرده است. از وی تاکنون آثار متعددی با عناوین، گل‌های پرپر، خزان گلریز، باغستان عشق، سایه‌های غم، ای اشک‌ها بریزید (ج اول دیوان)، خلوتگاه راز (ج دوم دیوان)، زینب بانوی قهرمان کربلا (ترجمه)، بنال ای نی، الله اکبر، ندای برتر، فاطمه الزهرا (تقریرات علامه امینی) و چهل حدیث جالب از علی بن ابی طالب^(ع) به چاپ رسیده است. مجموعه «ای اشک‌ها بریزید» در مدح و مرثیه اهل بیت^(ع) سروده شده است. مضامین اشعار او عبارت‌اند از: حسین^(ع) رهبر امروز و کشتهٔ دیروز، خاندان امام، اصحاب، آزادی، مهلت خواستن شب عاشورا، تسلیم‌ناپذیری در برابر ظالمان و مرثیه در غم امام حسین^(ع):

ای ذبیح کربلا، جان‌ها فدای حج تو ای که خود را در منای عشق، قربان می‌کنی

در طوافت کعبه بر گرد تو می‌گردد حسین کآمدی در بیت حق، تجدید پیمان می‌کنی

۲-۴- مضامین مشترک در مرثیه‌های مهیار و حسان

۱. هدایت‌گری امام حسین

از فضایل و منقبت‌های سالار شهیدان؛ هدایت‌گری و رهبری است. شاعران، هدایت‌گری امام حسین^(ع) را به چراغ تشبیه می‌کنند که از حدیث رسول اکرم (ص) یعنی «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» برگرفته شده است.

حُبُّكُمْ كَانَتْ فَكَيْ أَسْرَى مِنَ الشَّرِّ كِ وَ فِى مَنْكِبِى لَهْ أَعْلَالُ

بِنَفْسِى نُجُومُهُمُ الْمُخَمَّدَاتِ وَ يَأْبَى الْهُدَى غَيْرَ أَنْ تُشْعَلَا

وَ أَجْسَامَ نَوْرِ لَهُمْ فِى الصَّعَى دِ تَمْلُؤُهُ قِيَضِىءَ الْمَلَا

أَشْدُّ يَدَايِحُوبِ آلِ أَحْمَدَ فَإِنَّهُ عَقْدُهُ فَوْزَ لَا تَجِلُ
(الدیلمی، ۱۳۴۴: ۱۱۱/۶۶/۱۷)

ترجمه: دوستی شما مرا از بند شرک رها کرد و زنجیر ضلالت از گردنم واگست. جانم فدای آن اختران خاموش، لکن چراغ هدایت خاموشی نگیرد. پیکر انورشان در بیابان، فضای جهان را پرتوافکن است. به مهر آل احمد چنگ برزن، این دستاویز رستگاری ناگستنی است.

مهیار، چنگ زدن به اهل‌بیت را مایه گسیختگی شرک و ضلالت می‌داند و هرچند رخت از این دنیای فانی بسته‌اند؛ اما فروغ هدایتشان تا ابدالدهر پابرجاست. سپس توسل جستن از ائمه را مایه رستگاری می‌داند. حسان نیز، امام^(ع) را با القابی چون مصباح هدایت و کشتی نجات، دلیل راه، راهنما، یادگار مرتضی و جانشین مجتبی می‌خواند.

ای که مصباح هدایت هستی و فلک نجات از چه با این اشک‌ها ایجاد طوفان می‌کنی؟

(چایچیان، ۱۳۸۸: ۱۷۸)

حسان، امام حسین را رهبر امروز معرفی می‌کند؛ هرچند در گذشته به شهادت رسیده است، راهش که ایمان و عقیده بود، هنوز رهبر و راهگشای بشریت و نهضت آموز است: حسین، کشته دیروز و رهبر امروز است قیام اوست که پیوسته نهضت آموز است تمام زندگی او، عقیده بود و جهاد اگرچه مدت جنگ حسین، یک روز است توان لشکر ایمان، نمی‌رود از بین ز فیض یاری حق، چون که قدرت اندوز است (همان: ۱۷۹)

۲. اشاره به جنایت‌های بنی‌امیه

مهیاری به بیدادگری‌های بنی‌امیه اشاره می‌کند و این بی‌حرمتی‌ها را با آیین جاهلیت برابر می‌داند. توصیفات او کلی است و نامی از اولاد حسین بن علی^(ع) نمی‌برد.

لَمْ تُنَجِّ الْكُهُولَ سِنًَّ وَلَا الشَّبَّاءَ أَنْ زُهِدًا وَلَا نَجَا الْأَطْفَالَ
وَمَا آلُ حَرْبٍ جَنُوا إِنَّمَا أَعَادُوا الضَّلَالَ عَلَى مَنْ بُدِيَ
(الدیلمی، ۱۳۴۴: ۱۷/۳۰۰)

ترجمه: به فرتوتی کهن‌سالان ننگریستند، بر جوان عابد و زاهد ترحم نیاوردند؛ حتی کودکان از دم شمشیرشان ترستند. خاندان پسر امیه جنایت تازه مرتکب نشدند، آیین جاهلیت را به قدرت پیشین اعاده کردند.

حسان با توصیفات رسا از فرزندان امام حسین^(ع) نام می‌برد: تشنگی شیرخوارش، علی‌اصغر و شهادت غنچه کربلا، سوزاندن خیمه‌ها، شکستن دندان آن حضرت: گه رقیه، گه رقیه رباب، او را اشک افشان به سینه افشوده برد آخر پدر به می‌دانش بـادلی داغدار و آزرده دهدش تا که جـرعه آبی لاجرم سوی دشمنان برده آه، آمد حسین و اصغر را برده عطشان و تشنه آورده

آب شد قلب زینب از این داغ شد علی کشته، آب ناخورده
(چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

۳. شکوه از مردم

مهیار به سرزنش و گله از مردم می‌پردازد و بیان می‌کند که اگر مطابق راه و روش
افرادی گام برداری که در واقعه کربلا سکوت اختیار کردند و با امام حسین^(ع) همراه
نشدند، از جمله کسانی هستی که در دوره جاهلیت به خدا شرک ورزیدند:

وَمَا الشُّرْكَاءُ لِلَّهِ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا أَنْتَ قَسَمْتَ بِمُسْتَبْعَدٍ
(الدلمی، ۱۳۴۴: ۳۰۰)

ترجمه: اگر راه و روش مردم را قیاس‌گیری، دوره جاهلیت به خاطر آید.

حسان نیز به گونه‌ای دیگر به سرزنش مردم می‌پردازد. وی از زبان امام حسین در شب
عاشورا از دشمنان بیدادگر مهلت می‌خواهد:

امشب ای مردم غفلت زده، مهلت بدهید تا که «حر» سوی ره راست ز بیراهه شود

اصغرم را بگذارید که تا فردا صبح سن قربان شدنش کامل و شش‌ماهه شود
(چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۴۱)

۴. عواطف شاعرانه نسبت به امام حسین^(ع)

مهیار، از مهر و محبت نسبت به اهل‌بیت، به‌ویژه امام حسین سخن می‌گوید و بیان
می‌کند که با دشمنان حسین، دشمن هستم. وی، دلبستگی به خاندان رسول را برابر با تمام
دنیا می‌داند

أَسِرَّ لِمَنْ وَالِاكْ حُـبُّ مُوَأْفِقِ وَأُبْدِي لِمَنْ عَادَاكْ سَبُّ مُخَالِفِ

وَمَا نَسَبٌ مَا بَيْنَ جَنْبِي تَالِدٌ بِغَالِبِ وَدَّ بَيْنَ جَنْبِي طَارِفِ

هواکُم هُوَ الدُّنْيَا وَاعْلَمُ أَنَّهُ يَبِيضُ يَوْمَ الْحَشْرِ سُودَ الصَّحَائِفِ

عَنْ هَوَاكِ فَأَذَلَّ جَلْدِي وَ الْحُبُّ مَا رَقَّ لَهُ الْجُلْدُ وَ ذَلَّ

آبَائِي فِي فَارِسَ وَ الدِّينُ دِينُكُمْ حَقًّا لَقَدْ طَابَ لِي أَسُّ وَ مَرْتَعُ

سَلْمَانُ فِيهَا شَفِيعِي وَ هُوَ مِنْكَ إِذَا أَلِـ أَبَاءُ عِنْدَكَ فِي أُنْبَائِهِمْ شَفَعُوا
(الدیلمی، ۱۳۴۴: ۱۸۴/۱۰۹/۲۶۱)

ترجمه: مهر دوستانت به دل نهفتم، مهری موافق، شتم دشمنانت بر زبان دارم، دشمنی آشکار. این افتخاری کهن که از خون تبارم در رگ و پی دارم، افزون نشمارم از مهری که تازه به دل می‌پرورانم. عشق شما با تمام دنیا برابر است و دانم روز حشر، سیه نامه اعمالم را سپید خواهد کرد. تیر عشقت به جان نشست، طاقتم بر بود، عشق و شیدایی قهرمان پلتن را مقهور سازد. تبارم در فارس و آئینم آئین شماست. گوارایم باد آن تبار با این آبشخور مرغزار. سلمان فارسی را شفیع آورم که در سلک شما خاندان است؛ البته پدران، شفاعت فرزندان را پذیرا باشند.

با خون امام بر دیوان عدالت ثبت است که دین پیامبر پاینده است. از کرب و بلا پیداست که کشته عریان و دردانه زهرا^(ع) جاوید است:

با خون تو ثبت است به دیوان عدالت پاینده‌تر از شرع نبی مـدنی نیست

بر ریشه تو، گرچه بسی تیشه عدو زد بر نخل حیات، اثر از تیشه زنی نیست

پیدا بود از منظره کـرب و بلایت دردانه زهرا و علی، گم‌شدنی نیست
(چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۲۱)

۵. تشنگی

از اساسی‌ترین مضامین مراثی حسینی، وصف تشنگی امام حسین^(ع) و یارانش در صحرای کربلا است. مهیار دیلمی و حسان، هر دو با اشک ریختن و دعوت به این کار، می‌خواهند عطش حسین بن علی را فرو نشانند:

أَيَا عَاطِشًا فِي مَوْقِفٍ لَوْ شَهِدْتُهُ سَقَيْتُكَ فِيهِ مِنْ دُمُوعِي الذُّوَارِفِ
(البازی، ۱۹۰۰: ۵۰)

«ای تشنه در خون تپیده، کاش در رکابت بودم و با سیلاب اشک خود سیرابت می‌ساختم»
حسان، پس از توصیف فرزند بی‌سر و بی‌پیرهن زهرا^(س) آرزومند است که اشک چشم خود را در گلوی تشنه حضرت بریزد تا سیراب شود:

برگیرم ز خاک و ببوسم گلوی تو خود نوحه مادرانه چو زهرا کنم تورا

ریزم به حلق تشنه‌ی تو اشک چشم خویش سیراب تا که ای گل حمرا کنم تورا

دشمن نداد آبت اگر غم مـخور حسین صحرا ز آب دیده چو دریا کنم تورا
(چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۱۷)

۶. سر امام بر نیزه

مهیار از سوز دل می‌گوید: چه ناگوار است بر من که گول مرگ بر سینه با وقارت بر شد و سر انورت را خاک آلوده بر سر نی کردند، با آنکه خورشیدش به زیر پی بود.

يَعِزُّ عَلَيَّ ارْتِقَاءُ الْمَنُونِ السِّي جَبَلٍ مِنْكَ عَالٍ مُنِيفٍ
و وَجْهُكَ ذَاكَ الْاَغْرَّ التَّرِيبُ يُشَاهِرُ وَهُوَ عَلَي الشَّمْسِ مُوَفَّى
(دیوان مهیار، ج ۲/۲۶۳)

حسان از زبان حال حضرت زینب، رقیه خاتون تصاویری جانسوز در این زمینه دارد:
عمه جان بر سر نی این سر نورانی کیست که چنین می‌زند آتش غم او بر دل و جان

عمه جان کیست بگو این سر آغشته به خون که نگاهش ز دلم برد همه تاب و توان
(چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۱۷)

۷. پایمال نشدن خون امام حسین (ع) و شهیدان

از مضامین مشترک مهیار و حسان این است که خون امام حسین (ع) و شهدا پایمال نمی‌شود. به نظر می‌رسد این مضمون برگرفته از آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران است: **وَلَا**

تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ:
أَمْيَّةٌ لَّابِسَةٌ عَارَهَا وَإِنْ خَفِيَ الثَّارُ أَوْ حُصِّلَا
 (الدلمی، ۱۳۴۴: ۵۰)

ترجمه: خاندان امیه، جامه این عار بر تن آراست؛ گر چه خون شهیدان، یکسره پایمال نگشت.

خون خداست خون تو پامال کی شود؟ در شام و کوفه محکمه برپا کنم تو را

گوئی حسان که می‌شنوم از گلوی او هر چیز خواهی از کرم اعطا کنم تو را!
 (چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۱۷)

۸. دعوت به گریه و زاری بر امام حسین

اجر هر قطره گریستن بر امام حسین این است که شخص همیشه در بهشت منزل کند. (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱۰۱). مهیار می‌سراید که این گردش ناگوار زمانه بر آل علی بود که زبان مرا به هجو زمانه باز کرده؛ با آنکه از دیارم بدورند، اما از درد فراق آن کشم که دوست همنشین در فراق همنشین. اینک همدم من، تنها عزاداران و غمگساران حسین‌اند.

مُصَابِي عَلَي بُعْدِ دَارِي بِهِمْ مُصَابُ الْأَيْفِ بِفَقْدِ الْأَيْفِ

و لیس صَدِيقِي غَيْرَ الْحَزِينِ لِيَوْمِ الْحُسَيْنِ وَ غَيْرَ الْأُسُوفِ
 (دیوان مهیار، ج ۲/۲۶۳)

حسان نیز باور دارد که مصیبت و داغ حسین با اشک خاموش نمی‌شود: ای کاش، دمی دهد امانم این اشک تا نقش تو را به دیده منقوش کنم...

این داغ حسین، جاودان است (حسان) هرگز نتوان به اشک، خاموش کنم
 (چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۲۶)

۹. خراب کردن قبر امام حسین توسط دشمنان

مهیار اشاره می کند که قبر امام با خاک برابر شده و دشمنانش برای گسیختن صله پیامبر، اعضای بدنش را از هم جدا کردند:

دَرَسُوا قَبْرَهُ لِيُخْفِيَ عَنِ الزُّوِّ ارْهِهَاتِ كَيْفَ يَخْفَى الْهِلَالُ

اَللّٰهُ يَا قَوْمُ يُقْضِي النَّبِيَّ مُطَاعًا فَيَعُصِي وَمَا عُسَّ لَا

فُقِطَتْ وَوَصَلَهُ النَّبِيُّ بِأَنْ تُفْطَحَ طَحَّ مِنْ آلِ بَيْتِهِ الْأَوْصَالَ

(الدلمی، ۱۳۴۴: ۱۷/۵۰)

ترجمه: مزارش با خاک برابر شد تا از نظر مشتاقان مستور ماند، اما هرگز هلال پنهان نمی ماند. خدا را ای قوم؛ رواست که رسول مطاع فرمان دهد، هنوزش غسل نداده، نافرمانی کنند. خواستند رحم رسول را قطع کنند، پیکر خاندانش به هر جا دریافتند، بند از بند جدا کردند.

حسان، از پیراهن پاره‌ای سخن می گوید که زینب^(ع) در وداع، برای دوری از غارت پیکر امام، آن را به امام داده است. پس از آن، خطاب به مولا علی^(ع) از بی غسل و کفن بودن امام حسین^(ع) شکوه می کند:

تا مصون ماند، ز غارت، پیکر پاک حسین در وداعش، زینب او را داد، پاره پیرهن

یا علی، ای آنکه سلمان را کفن کردی، بیا این حسین توست آخر، مانده بی غسل و کفن

(چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۴۲)

۲-۵- مفاهیم و مضامین مورد تأکید مهیار دلمی

۱. نقض پیمان و عهد

از جمله موضوعات پربسامد شعر عاشورایی و مرثیه‌های امام حسین^(ع)، اشاره به پیمان ولایت است. در واقع، جنایت بنی امیه تنها قتل و کشتار آل علی نیست؛ بلکه شکستن و نابودی فرهنگ دیرینه آب است که مورد تأیید دین نبوی قرار گرفت (امین، ۱۳۹۱: ۱۵):

مَا لِقُرَيْشٍ مَا ذَقْتُمْ كَ عَهْدِهَا وَ دَامَجْتُمْ كَ وَدَّهَا عَلَى دَخَلِ

مِثَاقَهُ فِيهِمْ مُلْقَى وَأُمَّتُهُ مَعَ مَنْ بَغَاهُمْ وَعَادَاهُمْ لَهُ شِيْعٌ
 تُضَاعُ بِيَعْتُهُ يَوْمَ الْغَدِيرِ لَهُمْ بَعْدَ الرُّضَا وَتَحَاطُّ الرُّومُ وَالْبِيْعُ
 وَأَسْأَلُهُمْ يَوْمَ حُجْمٍ بَعْدَ مَا عَقَدُوا لَهُ الْوَلَايَةَ لِمَ خَانُوا وَلِمَ خَلَعُوا
 وَإِثْرٌ عَلَيَّ لِأَوْلَادِهِ إِذَا آيَةُ الْإِثْرِ لَمْ تُفْسِدْ
 (الديلمی، ۱۳۴۴: ۱۱۲/۱۸۲/۲۹۹)

ترجمه: قریش در پیمان ولایت از چه به اخلاص نرفت، دوستی را با غل و غش درآمیخت. پیمان رسول را زیر پا گذاشتند، انصار رسول هم با آنان هم‌عنان گشتند. بیعت روز «غدیر» که ویژه خاندانش بود، تباه ماند؛ اما یهود و نصاری به خاطر پیمان در امان‌اند؛ از چه رو در غدیر خم که پیمان ولایت بستند، راه خیانت گرفتند و سر برتافتند. بعد از علی (ع)، حق خلافت مخصوص فرزندان اوست، اگر آیه میراث زیر پا نماند.

۲. سقیفه، عامل حادثه کربلا

مهیاری، با اشاره به واقعه تاریخی سقیفه می‌گوید: در این روز، بار خیانتی را بر دوش گرفتند که کوه‌ها در برابر آن زانو خواهند زد:
 حَمَلُوهَا يَوْمَ السَّقِيفَةِ أَوْزًا رَا تَخِيفُ الْجِبَالَ وَهِيَ ثِقَالُ
 وَتَحَالَ الْأَخْبَارُ وَاللَّهُ يَدْرِي كَيْفَ كَانَتْ يَوْمَ الْغَدِيرِ تُحَالَ
 فَيَوْمَ السَّقِيفَةِ يَا ابْنَ النَّبِيِّ طَرَقَ يَوْمَكَ فِي كَرْبَلَا
 وَغَضِبَ أَيْبُكَ عَلَيَّ حَقَّهُ وَأُمَّكَ حَسَنَ أَنْ تَقْتُلَا
 (همان: ۱۶/۵۰)

ترجمه: در روز سقیفه، بار خیانت بر دوش کشیدند، باری که عظمت کوه‌ها در برابر آن ناچیز است. اخبار دست‌به‌دست، از زبان پیشینیان رسد و خدا داند روز غدیر چسان بود؟ ای

زاده مصطفی، این خود روز سقیفه بود که راه کربلا را هموار کرد. حق علی^(ع) و فاطمه(س) زیر پا ماند، از این رو کشتنت روا شمردند.

۳. شهید طف

مهیار به خیانتی که در مورد امام حسین^(ع) در سرزمین طف رخ داد اشاره می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حتی آسمان‌ها، بر آن حضرت که در خاک و خون غلتیده است، اشک می‌ریزند:

وَجَدَّهَا بِالطَّفِّ بَيْنَكَ عَضْبَةً أَبَا حُوا لَذَاكَ الْقَرْفِ حَكَّةً قَارِفِ
وَشَهِيدٍ بِالطَّفِّ أَبْكَى السَّمَاوَا تٌ وَكَادَتْ لَهُ تَزُولُ الْجِبَالُ
(الديلمی، ۱۳۴۴: ۱۷/۲۶۱)

ترجمه: این سفاهت و خیانت در بیابان «طف» بر سر فرزندت، حسین تجدید شد. روا شمردند که زخم کهنه را با سرانگشت، خونبار سازند. حسین در سرزمین «طف» به خاک و خون در غلتید، آسمان‌ها بر او خون گریست و کوهساران از بار اندوه درون در حال انفجار ماند.

۴. حسرت و اندوه شاعر

حسرت و اندوه بر از دست رفتگان، از ویژگی‌های قابل توجه مرثیه‌ها است که مهیار در چند بیت، غم و انده حاکی از واقعه کربلا را جانکاه و از بین برنده توصیف می‌کند؛ و حسرت می‌خورد که چرا در کنار امام حسین در روز عاشورا نبوده است.

لَهْفَ نَفْسِي يَا آلَ طَهِّ عَلَيْهِمْ لَهْفُهُ كَسْبُهَا جَوِي وَخِيَالُ
أَرَى الدِّينَ مِنْ بَعْدِ يَوْمِ الحُسَيْنِ عَلِيًّا لَهُ المَوْتُ بِالْمَرَصَدِ
وَكَأَنَّ سَبَقْتُ فَكُنْتُ الشَّهِيدَ أَمَّا مَكَكَ يَا صَاحِبَ المَشْهَدِ
(همان: ۱۷/۳۰۰)

ترجمه: وای از این حسرت جانکاه، ای خاندان طه، این غم تاروپود مرا به آتش کشید. از پس روز حسین، آئین حق به بستر بیماری خفت. مرگ هم در کمین است. ای خفته کربلا! کاش می بودم و در برابرت به خاک و خون می تپیدم.

۵. نفرین بر عاملان حادثه کربلا

غَلِيلٌ لِمَنْ أَمَرَهُ قَدْ سَعَى بِذَاكَ الذَّمِّيلِ وَ ذَاكَ الْوَجِيفِ

وَ وَيْلٌ أُمَّ مَأْمُورِهِمْ لَوْ أَطَاعَ لَقَدْ بَاعَ جَنَّتَهُ بِالطَّفِيفِ

(دیوان مهیار، ج ۲/۲۶۳)

«فرمانده‌ای که دستور آهسته رفتن یا دویدن می داد، خدا کند پیوسته در سوز تشنگی و غم باشد. وای بر فرمانبرانشان که بهشت عدن را به بهای اندک فروختند.»

۲-۶- مفاهیم و مضامین مورد تأکید حسان

آوارگی اهل بیت در صحرا پس از حادثه خونین عاشورا، وقار زینب و خطبه آتشین او پس از واقعه خونین، سیلی زدن بر حضرت رقیه، صلح امام حسن در کنار قیام امام حسین، از جمله مضامین مورد تأکید حسان است (چایچیان، ۱۳۸۸: ۲۱۶ و ۲۱۰)

۳- نتیجه گیری

با مقایسه دقیق مضامین مرثیه‌ها و اشعار حسینی در دیوان مهیار دیلمی و مجموعه «ای اشک‌ها بریزید» از حبیب چایچیان نتایج زیر حاصل شد:

۱. مهیار دیلمی، از مصیبت‌هایی که بر شیعه و خاندان رسول اکرم (ص) بعد از حادثه کربلا رخ داد، سخن نگفت. وارد جزئیات نشد و راه اعتدال را در پیش گرفت.
۲. حبیب چایچیان، برخلاف مهیار، همه رویدادهای کربلا را از شروع حرکت امام، وداع امام از مدینه، مهلت خواستن شب عاشورا به شعر درآورده است.

۳. دو شاعر در به تصویر کشیدن وقایع کربلا از واژگان، تعابیر و توصیفات ساده و صادقانه استفاده کرده‌اند. زبان هردو شاعر، نرم و بی‌پیرایه است.
۴. مضامین مشترک در اشعار مهیار و حسان عبارت‌اند از: هدایت‌گری امام حسین، اشاره به تشنگی در کربلا، ستم‌های یزیدیان در حق آن حضرت و اولادش.
۵. مهیار مضامینی آورده که حسان به‌طور مستقیم اشاره نکرده است؛ از جمله نقض عهد و پیمان واقعه سقیفه است. او معتقد است، روز سقیفه، تندباد کربلا را برپا کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در شعر یونان قدیم شاعرانی چون «ارفلوس»، «سافوس» و «سیمونیدس» در این نوع ادبی مشهور هستند و کلمه *Elegy* یونانی به وزن خاصی از شعر غنایی اطلاق می‌شد که موضوع آن سیاست یا اخلاق بود» (رادفر، ۱۳۶۵: ۱۱-۱۰).
۲. «رَثَى فُلَانٌ فُلَانًا يَرِثِيهِ وَ مَرَثِيَهُ إِذَا بَكَاهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. قَالَ: فَإِنْ مَدَحَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ قِيلَ: رَثَاهُ يُرِثِيهِ تَرِثِيَهُ. وَ رَثِيَتِ الْمَيِّتَ رَثِيًّا وَرَثَاءَ وَ مَرَثَاهُ وَ مَرَثِيَهُ وَ رَثِيَّتُهُ: مَدَحَتْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ بَكَيْتَهُ. وَ رَثَوْتُ الْمَيِّتَ أَيْضًا إِذَا بَكَيْتَهُ وَ عَدَدْتُ مَحَاسِنَهُ وَ كَذَلِكَ إِذَا نَظَّمْتُ فِيهِ شِعْرًا» (ابن منظور، ذیل واژه رثا).
۳. نمونه مرثیه در نثر از کتاب «التوسل الی التوسل» که بر مرگ سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه سر داده شده است: «دریغ آن نوجوان نازنین که پیش از آنکه غنچه شباب او به نسیم طراوت تمام بشکفتد، از عصفوف تندباد حدثان در خاک افتاد» (خطیبی، ۱۳۶۹: ۲۷۱).
۴. سوگنامه‌ها از جهت محتوا به سه نوع ندبه (رثای عاطفی)، تأیین (مرثیه خوانی) و عزاء (رثای حکمی) تقسیم می‌شود (ضیاف، ۱۱۱۹: ۵)؛ اما آن را به چهار دسته: مرثی در مرگ مشاهیر، مرثی وطنی، مرثی در سوگ عزیزان و مرثی مذهبی تقسیم‌بندی می‌کنند. (افسری، ۱۳۸۱: ۶۷)

فهرست منابع

الف. کتاب

۱. قرآن کریم. (۱۳۸۶). ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. چاپ ششم. تهران: نشر دوستان.
۲. ابن تغری بردی، یوسف. [بی تا]. **النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره**: وزاره الثقافه و الارشاد القومی.
۳. ابن جوزی، ابی الفرج. (۱۴۱۵). **المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم**. بیروت: عالم الکتب.
۴. ابن خلکان. (۱۹۴۸). **وفیات الاعیان**. جلد ۴. تحقیق احسان عباس. مصر: مکتبه النهضه المصریه.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۴۱۲). **مناقب آل ابی طالب**. قم: المطبعه العلمیه.
۶. ابن منظور. (۱۹۹۳ م). **لسان العرب**. تعلیق و وضع الفهارس: مکتب تحقیق التراث. الطبعة الثانيه. دار إحياء التراث العربی و مؤسسه التاريخ العربی. بیروت.
۶. ابوملحم، علی. (۱۹۷۰). **فی الادب و فنونه**. بیروت: المطبعه العصریه للطباعه و النشر.
۷. افسری کرمانی، عبدالرضا. (۱۳۸۱). **مرثیه‌سراییی در ایران**. جلد دوم. تهران: اطلاعات.
۸. _____ (۱۳۷۱). **نگرشی به مرثیه‌سراییی در ایران**. تهران: اطلاعات.
۹. امامی، نصرالله. (۱۳۶۹). **مرثیه‌سراییی در ادبیات فارسی**. تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۰. الامین، محسن. (۱۴۰۶). **اعیان الشیعیه**. جلد ۸. بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۱۱. امینی، عبدالحسین. (۱۳۸۷). **الغدیر**. بیروت: دارالکتب العربیه.
۱۲. الباخززی، ابوالحسن علی بن الحسن. (۱۴۱۴). **دمیه القصر و عصره اهل العصر**. ج ۱. بیروت: دارالجلیل.
۱۳. البازی، حامد. (۱۹۰۰). **مهیار الدیلمی**. البصره: مطبعه الخیر.
۱۴. تویسرکانی، قاسم. (۱۳۳۶). **عدد من بلغاء ایران فی لغة العرب**. کتابخانه دانشگاه اصفهان.
۱۵. جرجی زیدان. (۱۹۷۸). **تاریخ آداب اللغة العربیه**. جلد ۱. بیروت: دارالکتبه الحیاه.
۱۶. چایچیان، حبیب‌الله. (۱۳۸۸). **ای اشک‌ها بریزید**. تهران: علمیه اسلامیه.
۱۷. _____ (۱۳۹۰). **خلوتگاه راز**. تهران: بدرقه جاویدان.
۱۸. خطیبی، حسین. (۱۳۶۹). **فن نثر در ادب فارسی**. تهران: زوار.

۱۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه**. جلد ۸. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. الدیلمی، مهیار. (۱۳۴۴). **دیوان**. شرح و تصحیح احمد نسیم. قاهره: دار الکتب المصریه.
۲۱. رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۶۵). **چند مرثیه از شاعران پارسی گوی**. تهران: امیر کبیر.
۲۲. الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۱۳۸۸). **اطواق الذهب فی المواعظ و الخطب**. سندج: آراس.
۲۳. شرطونی، سعید. (۱۹۹۲). **اقرب الموارد**. جلد ۲. لبنان. بیروت: دار الکتب الومیه.
۲۴. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). **انواع ادبی**. تهران: فردوس.
۲۵. ضیف، شوقی. (۱۹۹۵). **تاریخ الادب العربی**. قاهره: دار المعارف.
۲۶. (۱۱۱۹). **الرتاءع**. ط ۴. القاهره: دارالمعارف.
۲۷. عبد النور، جبور. (۱۹۸۴). **المعجم الادبی**. بیروت: دار العلم للملایین.
۲۸. عبدعلی، عصام. (۱۹۷۶). **مهیار الدیلمی (حیاته و شعره)**. بغداد: دار الحریه.
۲۹. الفاخوری، حناء. (۱۳۷۴). **تاریخ ادبیات زبان عربی**. جلد ۳. ترجمه آیتی. تهران: توس.
۳۰. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۶). **نقد و تحلیل شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز**. تهران: مجتمع فنی عاشورا.
۳۱. کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). **ادبیات تطبیقی**. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۲. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۱). **بحار الانوار**. جلد ۴۴. ترجمه علی دوانی. تهران: الاسلامیه.
۳۳. مؤتمن، زین العابدین. (۱۳۶۴). **شعر و ادب فارسی**. تهران: زرین.
۳۴. میر صادقی، جمال و میمنت میر صادقی. (۱۳۷۱). **واژه نامه هنر داستان نویسی**. تهران: کتاب مهناز.
۳۵. نداء، طه. (۱۳۸۳). **ادبیات تطبیقی**. ترجمه هادی نظری منظم. تهران: نی.

ب. مقاله ها

۱. ابراهیمی آتانی، امرالله. (۱۳۸۸). «مفاهیم و مضامین دادگری و ظلمستیزی در شعر مهیار دیلمی»، www.qazvinjustice.ir

۲. امید علی، احمد. (۱۳۹۱). «کارکرد تصویر هنری در شعر شیعی (بررسی موردی شعر ابو فراس حمدانی، شریف رضی و مهیار دیلمی)». فصلنامه لسان مبین. سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۹-۳۹.
۳. امین مقدسی، ابوالحسن. (۱۳۹۱). «بررسی شعر عاشورایی در دو ادب فارسی و عربی با تکیه بر شعر شهریار و جواهری». نشریه ادبیات پایداری. سال چهارم، ش هفت، صص ۹۴-۵۹.
۴. ایراندوست، رضا. (۱۳۶۹). «مقایسه مراثی خاقانی و هوگو در سوگ فرزندان». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره ۱۳۵ و ۱۳۶، صص ۱-۲۹.
۵. جنتی فر، محمد. (۱۳۸۵). «ادبیات و رثای حسینی و عاشورایی». پژوهش‌های دینی. سال دوم، شماره پنجم، صص ۲۷-۴۵.
۶. ذکاوتی قراگزلو، علی‌رضا. (۱۳۷۲). «زندگی و شعر مهیار دیلمی». آینه پژوهش. شماره ۲۳، صص ۲۸-۳۲.
۷. نغمه‌های پاک یک روز با حبیب‌الله چایچیان «حسان». شاعر و نغمه‌سرای عاشورایی. (۱۳۸۴). خیمه، شماره ۱۹، ص ۱۸.

ج. پایان‌نامه‌ها

۱. امیدوار، احمد. (۱۳۹۱). «شناخت و نقد آماری سبک استعاره (پژوهش علمی بر اشعار دعبل خزاعی. شریف رضی و مهیار دیلمی)». پایان‌نامه دکتری به راهنمایی حامد صدقی، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
۲. حسنی، رویا. (۱۳۸۴). «شرح احوال و آثار و افکار مهیار دیلمی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی هوشنگ زندی. دانشگاه آزاد اسلامی.
۳. خضری، سید محمدرضا. (۱۳۷۳). «مهیار الدیلمی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمدعلی آذر شب. دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
۴. مهدی‌زاده، رضا. (۱۳۷۳). «اهل بیت^(ع) از نگاه دینی و ادبی در شعر مهیار دیلمی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی ابراهیم دیباجی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.